

تحلیل بن مایه‌های داستانی منظومه‌ی عزیز و نگار

زهرا دری^۱

راضیه فقیهی^۲



چکیده

پژوهش حاضر در پی معرفی یکی از آثار ادب فارسی به نام منظومه‌ی عزیز و نگار است که جزو قصه‌های فولکلور و عامیانه‌ای است که به صورت روایی و سینه به سینه در منطقه‌ای خاص نقل می‌شده است. همچنین دستیابی به بن مایه‌های داستانی آن از انواع حماسی، عاشقانه، شگفت انگیز و کرامت است.

این منظومه‌ی محلی و عامیانه در منطقه‌ی طالقان، مورد هیچ گونه تحقیقی قرار نگرفته و معرفی آن در قدم اول از اهداف این پژوهش است. از این اثر نگارش‌های متعددی در زمان‌های مختلف وجود دارد که هر یک در جزئیات با دیگر نگارش‌ها متفاوت است. این نسخ از روی هم نگاشته نشده‌اند و نقالان و مشتاقان پس از سال‌ها، از حافظه‌ی خویش و بنا بر سلیقه‌ی خود و مخاطبان‌شان آن را به نگارش در آورده‌اند. نتیجه‌ی تحقیقات و تحلیل در بن مایه‌ها نشان می‌دهد که اکثر بن مایه‌های قصه‌ی عزیز و نگار در ادبیات ایران و جهان دیده می‌شوند.

از جمله: کوری، سفر، خوارق عادت، نبرد، جنون و رقابت عشاق، نامه و نامه بر، درویش، سبب و چشمه؛ که حضور این گونه بن مایه‌ها در این قصه از ارزش‌های آن به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: قصه‌ی عزیز و نگار، موتیف، بن مایه‌های حماسی، عاشقانه، کرامت، شگفت انگیز.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی ایران. کرج
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی ایران. کرج

گذری بر قصه‌ی عزیز و نگار

در روستای آردکان طالقان و در حدود دویست تا دویست و پنجاه سال پیش، دو برادر متمول و متدین می‌زیستند که در سنین پیری و توسط دعای درویش و تناول سیبی متبرک، صاحب دو فرزند زیبا به نام‌های عزیز و نگار می‌شوند. این دو کودک در دوران تحصیل عاشق و دل‌باخته‌ی هم می‌شوند. وقتی به سنین جوانی می‌رسند پدران خود را از دست می‌دهند. مادر نگار، عزیز را برای دامادی نمی‌پسندد از این رو نگار را بدون رضایت به عقد خواهر زاده‌ی بی‌مایه‌ی خود در می‌آورد. نگار ناگزیر پس از عروسی به محل زندگی احمد، الموت طالقان یا بالاروچ می‌روند. عزیز این دوری را تاب نمی‌آورد و برای برگرداندن نگار به طالقان و وصلت با او ترفندهایی می‌اندیشد. او در این راه پرخطر و صعب، متحمل سختی‌ها و مصیبت‌های جانگدازی می‌شود. اما عشق سوزان او هیچگاه کمرنگ نمی‌شود و مشکلات نیز او را ناامید نمی‌کنند.

او در بهار به بهانه‌ی خرید برنج از گیلان هدف خود را پیش می‌گیرد. ابتدا با دوستان خود به گیلان می‌رود و پس از خرید برنج، در راه بازگشت با دروغی که به احمد می‌گویند و حيله‌ای که در مقابل مادر کور احمد به کار می‌گیرد، نگار را راهی طالقان می‌کند و خود نیز پشت سر او به طالقان می‌رود. پس از این ماجرا، احمد همسر نگار از آنها به حاکم رودبار شکایت می‌کند. حاکم نیز در پی دادخواست او هر سه نفر را به حضور می‌طلبد و طی تحقیقاتی که به عمل می‌آورد و امتحاناتی که از آنها می‌گیرد، به این نتیجه می‌رسد که نگار فقط لایق عزیز است. در همان مجلس نگار را که بعد از شش سال هنوز دوشیزه بود به عقد عزیز در می‌آورد. آن دو به پابوس امام رضا(ع) می‌روند و در بازگشت جشن عروسی به راه می‌اندازند. مادر کینه‌توز نگار، گروهی اوباش را برای جنگیدن و کشتن عزیز، اجیر می‌کند. گروه اوباش در روز عروسی حمله می‌کنند و عده‌ای جوان از جمله احمد، به دست عزیز کشته می‌شوند.

ولی عزیز به خاطر اینکه خون‌های مردمانِ فریب خورده، بیشتر ریخته نشود خود را به آب شاهرود می‌زند. نگار که شاهد غرق شدن عزیز در امواج رود بود تاب نیاورد و برای نجات عزیز درون رودخانه می‌رود و دست در گریبان هم در آب شاهرود غرق می‌شوند. بدن‌های آنها در خاک منجیل دفن می‌شود.

بن مایه یا موتیف

«موتیف (بن مایه) عنصر، حادثه، سخن، مطلب، موضوع یا مضمونی است که در کل ادبیات یا کل آثار کسی یا در یک اثر خاص مدام تکرار می‌شود.» (شمیسا: ۱۳۸۶: ۱۴۵) مفاهیمی در زمینه‌ی ادبیات وجود دارند که تکرار شونده هستند این تکرار شونده‌ها هر چیزی که در ذهن انسان دارای معنی است، می‌تواند باشد.

میر صادقی نیز در این مورد می‌نویسد: «موتیف، در ادبیات، عبارت است از درونمایه، تصویر، خیال، اندیشه، عمل داستانی، موضوع، وضعیت، موقعیت، صحنه، فضا، رنگ یا کلمه و عبارتی است که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار می‌شود.» (میر صادقی: ۱۳۸۷: ۲۷۶)

بن مایه‌ها علاوه بر صفت تکرار شوندگی و برجسته‌نمایی، می‌توانند در حرکت داستانی مؤثر واقع شوند و می‌توانند موجب بسط حجمی و تقویت جاذبه‌ی داستان شوند. «همچنین تکرار شوندگی آن در کل ادبیات یا در کل آثار یک فرد، حایز اهمیت است.» (تقوی، ۱۳۸۸: ۵)

موتیف‌ها ممکن است در یک یا چند قصه‌ی هم‌زمان، یا در یک گونه‌ی خاص از داستان‌ها یا در آثار ادبی گروه یا دوره‌های مختلف و در مواردی در آثار یک قوم یا اقوام متعدد حضور یابند.

قصه‌ها را با توجه به بن مایه‌هایشان، می‌توان به انواعی تقسیم کرد که در کتاب ادبیات داستانی این گونه آورده شده است: «قصه‌های بلند و عامیانه‌ی فارسی که زمینه و

بن مایه‌ای عشقی و عاطفی و عدالت خواهانه دارند. قهرمان قصه برای رسیدن به وصال معشوق به ماجراهای گوناگون کشانده می‌شود و در واقع قهرمان به بهانه‌ی عشق و عاشقی به جنگ زشتی‌ها و پلیدی‌ها بر می‌خیزد. در این گروه، تک زنی و یک معشوقی و همچنین بن مایه‌ی سفر، از عناصر مهم محسوب می‌شود. گروه دیگر، قصه‌هایی که زمینه‌ی دینی و مذهبی و بن مایه‌ی عقیدتی دارند. در این گروه تعصب دینی است که قهرمان‌ها را به جنگ و جدال با یک دیگر وا می‌دارد. در این گروه از قصه‌ها، قهرمانان به زن واحدی قانع نیستند و بعد از سفرهای دور و دراز و فتح شهرهای بسیار که سفرها به همین منظور هستند، قهرمان اصلی به فکر جاودانگی می‌افتد. همچون قهرمان قصه‌ی گیل گمش، که به منظور خود نمی‌رسد و تسلیم مرگ می‌شود.

گروه سوم قصه‌هایی است که به شیوه و روال ساختمانی هزار و یک شب آفریده شده‌اند. در واقع نقل قصه‌ها به سبک و اسلوب قصه‌هایی است که اصل آن‌ها به هند باز می‌گردد. در برخی از این قصه‌ها از زبان حیوانات به وجه تمثیل سخن گفته می‌شود؛ و قصه‌ای در میان قصه‌ی دیگر می‌آید. این گروه قصه‌ها بر خلاف دو گروه دیگر، از محتوای واحدی پیروی نمی‌کنند و حوادث و مضامین در آن‌ها بسیار متنوع است.» (میرصادقی، ۱۳۷۲: ۱۳۴)

یکی از فواید مطالعه‌ی بن مایه این است که می‌تواند در طبقه بندی و گونه شناسی داستان مفید باشد. از این روست که >>داستان‌های سنتی فارسی اغلب در بهره مندی از درون مایه‌ها، اشتراکات بسیاری دارند. داستان‌ها را با توجه به بن مایه هایشان می‌توان به انواعی چون، داستان‌های «شگفت انگیز»، «عاشقانه»، «کرامت» و «حماسی» تقسیم کرد.» (پارسا نسب، ۱۳۸۸: ۲۷)

منظومه‌ی عزیز و نگار که قصه‌ای عامیانه است، در گروه اول که بن مایه‌ی عشقی دارند، جای می‌گیرد. قهرمان برای رسیدن به وصال معشوق، مصیبت‌ها و سختی‌ راه

راهی، محک عیار آنان است. مثل دو راهی‌هایی که قهرمانانی نظیر رستم، سیاوش، و آرش با آن دست به گریبان بودند. در این قصه هم دو راهی وجود دارد که عزیز گرفتار آن شده است. دو راهی بر سر مرگ و زندگی خویش. او می‌تواند بماند و بجنگد و خون انسان‌های بیشتری ریخته شود و یا می‌تواند برود و خود را به آب بزند و جان مردمانی را از مرگ نجات بدهد. با علم به این که اگر خود را در آب بیاندازد، خواهد مرد. ولی قهرمانان همیشه راه‌های سخت و صعب را انتخاب می‌کنند. بدون در نظر گرفتن خطر، ترس و یا حتی مرگ.

شد سوار اندر سمندش با شتاب چون جلال الدین بزد خود را بر آب
(دیوان، ۶:۲۲۸)

۳-۲-نبرد: نبرد یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های حماسی است، چرا که در واقع اصل حماسه بر پایه‌ی جنگ و نبرد حادث می‌شود. در قصه‌ی عزیز و نگار هم، دو بار جنگ و درگیری رخ می‌دهد و هر دو بار نیز عزیز با گروهی به نبرد می‌پردازد. در هر دو بار نیز این گروه رودباریان هستند که به عزیز حمله می‌کنند و قصد جان‌ش را دارند. ولی بر طبق الگوی سنتی، نیروی خیر اگر چه یک نفر باشید، بر شر و بدی در قالب گروه پیروز می‌شود.

۴-۲-گرز: در تمامی جنگ‌ها، ابزاری برای نبرد باید وجود داشته باشد تا به کمک قهرمان و انسان‌های رزمنده بیاید. آنچه برای دفاع از خود بر می‌گزیند، گرز است. البته گرز نشانه‌ی پهلوانی است. چرا که برای ما یادآور قهرمان- پهلوان شاهنامه، فریدون و رستم است. گرز سنگینی که هر کس قدرت در دست گرفتنش را ندارد. عزیز به طور مشخص دو تن را با گرز از پای در می‌آورد و کسان دیگر را زخمی می‌کند. او گرز را در قربوس زین قاطرش نگه داری می‌کند و هر زمان که بدان احتیاج دارد به تندی آن را بر می‌دارد و از آن استفاده می‌کند. به تندی برداشتن گرز سنگین، کنایه‌ای

به پهلوانی قهرمان قصه نیز هست.

به آن گریزی که در قربوس زین داشت به فوری دست برد و گرز برداشت

(همان، ۸:۹۵)

۵-۲- دروغ و مکر و فریب: این بن مایه به عنوان وزنه‌ای در قصه‌ها وجود دارد. در کفهی دیگر ترازو خوبی و نیکی و صداقت است. و همین دو عنصر باعث حرکت داستانی و کشمکش‌ها و در نتیجه روند داستان می‌شود. اصل و موضوع این است که هر که دروغ بگوید، و با مکر و حيله ديگران را بفریبد، همان بلا سرخودش می‌آید. در این قصه، عزیز که نماد همه خوبی‌ها است نباید دروغ بگوید و یا کسی را فریب دهد زیرا این اعمال مختص شخصیت‌های منفی است و در خور قهرمان قصه نیست ولی زمانی که معشوقش را با حيله از او دور می‌کنند، او نیز با مکر و حيله و دروغ او را پس می‌گیرد. مانند زمانی که رستم پهلوان با حيله و نیرنگ سهراب و اسفندیار را از پای درمی‌آورد. اما این واژه برای ضد قهرمان و یارانش حيله و فریب است. و برای قهرمان، تیز هوشی و ذکاوت نامیده می‌شود.

هزاران حيله و نیرنگ بودش غلط اندر غلط بد تار و پودش

(همان، ۱۶: ۶۴)

خلاصه پول و رشوه در میان شد از این ره تیر بد نامی نشان شد

(همان، ۷: ۱۸۹)

۳- بن مایه‌های عاشقانه

یکی از مؤثرترین موضوعات در قصه‌های عامیانه، عشق است. عمیق‌ترین عشق در این اثر که خود باعث حوادث بسیاری است، عشق عزیز به نگار است. قهرمان بعد از سال‌ها و تحمل مشکلات بسیار به معشوق خود می‌رسد. از موارد دیگر

عشق در این قصه می‌توان به عشق احمد به نگار، عشق بانو به عزیز، عشق گلناز و پریخان به عزیز و عشق ملاحسن به نامزدش اشاره کرد. در این گروه از قصه‌ها «بن مایه‌هایی چون سفر، عاشق شدن توسط شنیدن صدا یا توصیف قهرمان، رقابت عشقی، ربودن معشوق، جنون عاشق، صحراگردی عاشق، مجلس بزم و ترک وطن به کار می‌رود.» (فرخی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

۳-۱- عاشق شدن توسط شنیدن توصیف: عاشق شدن از روی تصویر و یا شنیدن اوصاف یکی از حوادث رایج در داستان‌های ایرانی است خصوصاً قصه‌هایی که زمان وقوعشان به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد. مانند عاشق شدن خسرو و شیرین، (نظامی، ۱۳۹۰: ۷۳) یا عاشق شدن نوروژ از طریق شنیدن وصف گل از پری. (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۳۳) در این قصه نیز بانوجان و گلناز از راه شنیدن اوصاف عزیز، از راه دور، عاشق او شده بودند.

۳-۲- رقابت عشقی: تقریباً در تمامی داستان‌های عاشقانه، بن مایه‌ی رقابت عشقی وجود دارد. چرا که وجود این بن مایه باعث حرکت داستانی می‌شود و سرانجام قهرمان داستان بر رقیبان پیروز می‌شود و معشوق از آن خود می‌کند. مانند هزاران قصه‌ی عاشقانه که در ادبیات ایران وجود دارد از جمله: همای و همایون، لیلی و مجنون و ویس و رامین. در عزیز و نگار هم، رقابتی عمیق و ریشه دار بین عزیز و احمد بر سر نگار است که کشمکش قصه را باعث می‌شود.

۳-۳- جنون عاشق: هرگاه عاشق معشوق خود را از دست بدهد یا از او دور افتد، دچار جنون می‌شود. از معروفترین این جنون‌ها، جنون قیس عامری است که در ادبیات زبان زد شده است. در این قصه هم، زمانی که نگار به عقد احمد در می‌آید، عزیز از دوری او راهی کوه و بیابان می‌شود و در زمانی که مادر نگار، خواستگاری او را رد می‌کند، عزیز سر به صحرا می‌گذارد و برای دیدن او گهگداری به روستا باز

البته شاید بتوان گفت: این موضوع به مسأله‌ی پریان در افسانه‌های ایرانی باز می‌گردد. «پری موجودی است موهوم، افسانه‌ای و زیبا و دلپذیر. چنان که از روایات کهن بر می‌آید، پری موحودی است لطیف و بسیار زیبا که اصلش از آتش است و با چشم دیده نمی‌شود. و با زیبایی فوق العاده اش آدمی را می‌فریبد. پری نیکوکار و جذاب است.» (یاحقی، ۱۳۹۱: ۲۴۴) پریان دلباخته‌ی پهلوانان می‌شوند و آن‌ها را افسون می‌کنند و با زایش سر و کار دارند. حضور زنانی مثل گلناز و بانوجان مرانی، که هم از تمکن مالی هم برخوردارند و هم از زیبایی، و ابراز عشقشان به عزیز، نمودی از اعمال پریان و بن مایه‌ی تکراری قصه‌های عامیانه و عاشقانه است.

ابراز عشق بانو جان به عزیز:

نگارت را نمی‌گیری به بازی	اگر بامن تو نرد عشق سازی
نباشد غم و غصه در زمانه	تو را خوشبخت سازم بی فسانه

(همان، ۵: ۱۳۰)

ابراز عشق گلناز به عزیز:

بیا با من عروسی کن به گیلان	برون از شرم گفت‌ای مرد ایمان
-----------------------------	------------------------------

(همان، ۸: ۱۵۲)

۳-۷- نامه و نامه بر: این بن مایه در منظومه‌های عاشقانه لیلی و مجنون و همای و همایون و امثال آن‌ها نمود بارزی دارد. در این قصه نیز، فرستادن نامه از سوی عزیز به نگار، و بالعکس شش بار تکرار شده است.

نامه عزیز به نگار:

نامه‌ای جوف کمر بند جای داد	چند سکه در کف کودک نهاد
اول از حمد و ثنای کردگار	اندر آن نامه نوشت آغاز کار
دو زلفونت حمایل کن بیا پیش	«شب تاراست و گرگان می‌برن میش

شکوه کردن عزیز:

فلک ویران شوی رسم تو کین است
به عاشق پیشگان رفتارت این است
نبودی هیچ گه بر اصل واثق
نگشتی هیچ گه بر کام عاشق

(همان، ۱۱ و ۱۲: ۹۸)

۳-۱۰-امتحان دو رقیب: در این قصه، امتحان دو رقیب، یعنی عزیز و احمد، دو بار حادث می شود و در نهایت عاشق اصلی که قهرمان قصه نیز هست، پیروز می شود.

عزیز و احمد این زن ها بینند
نگار نازنین را بر گزینند
نشانی داد یک تن را کل احمد
نشانی اشتباه از آب درآمد
عزیز با یک نگاهی ماهرانه
بیان کرد یک دوبیتی عاشقانه
«نگارم چادری شبرنگ داره
دو پایش بر سر یک سنگ داره
نمی دانم بگویم یا نگویم
زره پوشیده میل جنگ داره»
نگه کردند دیدند راست گفته
نشانی بی کم و بی کاست گفته

(همان، ۱۵۰، ۱۵ و ۱۶ و ۲۰-۲۳: ۲۱۵)

۳-۱۱-ترس از ربایش عروس: این بن مایه در این اثر دوبار تکرار شده است. اول بار آن شبی که در مالخانی به عزیز حمله کردند دلایلش آن بود که می ترسیدند عزیز نگار را بر باید و آبرو و غیرت آنها خدشه دار شود. بار دوم، آن زمانی است که عزیز به اسم دوست احمد، وارد خانه ی آنها می شود، در آن جا نیز پیرزن (مادر احمد) این ترس به دلش می افتد که نکند او عزیز طالقانی است و قصدش ربودن نگار باشد.

ناگهان آمد جوانی با خروش
گفت ای مردم چرا گشته خموش
یک جوانی آمده از طالقان
تا بر باید عروس از دستمان

(همان، ۱۶ و ۱۷: ۹۳)

بسی از حال مهمانش بپرسید
چو از بهر عروشم می هراسید

ولی من گوهری ناسفته هستم که تا روزی رسد دستت به دستم
(همان، ۷ و ۸: ۱۴۶)

۱۸-۳-کوری: کوری آفتی است که به قهرمان نمی‌چسبد به همین دلیل پشت ناینایی، بینایی است. البته همیشه قهرمان نیست که ناینایی می‌شود. در داستان کاووس که در شاهنامه آمده است، زمانی که کاووس و سپاهیانش در مازندران به دست دیو سپید ناینایی شدند، رستم با چکاندن خون جگر سپید در چشمان کاووس او را بینا کرد. (فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۲۵) در قصص قرآنی نیز، یعقوب را شاهد هستیم که در فراق یوسف ناینایی می‌شود و زمانی که پیراهن یوسف به او می‌رسد، بینایی اش باز می‌گردد. البته ضمانت بینایی دوباره اشخاص مستلزم واسطه‌ای است که حضور دارد. در این قصه، مادر احمد کور است و دلیلش کهولت سن اوست. کوریش درمان ناپذیر است، اما به واسطه‌ی همین کوری اوست که عزیز می‌تواند او را فریب دهد و نگار را برهاند.
کل احمد از قضا یک مادری داشت که کور و کر بد او تخم بدی کاشت
(دیوان، ۱۳: ۱۸۵)

۱۹-۳- حضور ناصح: در این اثر مانند دیگر آثار ادب فارسی چون ویس و رامین که نصیحت‌گری به نام به گوی حضور دارد (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۲۲۲) و لیلی و مجنون که حضور نوفل جوانمرد را شاهد هستیم (نظامی، ۱۳۶۴: ۱۵۴) شخص یا اشخاصی در مقام ناصح حضور دارند که عاشق را از عشقش منع می‌کنند. آن‌ها از منظر خود این عشق را بی اساس و غلط می‌دانند و لی در قاموس عاشقان پاکباز، رها کردن عشق خیانت است. در این اثر مشخصاً دو فرد به عنوان ناصح حضور دارند. در ابتدا فردی به نام شیرزاد و بار دوم درویشی به نام ملاحسن. هر دو زمانی که داستان عشق عزیز را می‌شنوند، کار او را بیهوده و عبث می‌پندارند و او را از این عشق بی فرجام منع می‌کنند.

نصیحت شیرزاد به عزیز:

مزن چکش عبث بر آهن سرد	بگفتش دست بردارای جوانمرد
بیا و از چنین زن دست بردار	چو رفت از دست تو یارت به رودبار

(همان، ۳ و ۴: ۱۱۲)

نصیحت ملا حسن به عزیز:

نباشد عشق جسمی جاودانی	سپس گفتای عزیز آردکانی
مشو در عاشقی این قدر بی باک	بیا از من شنوای عاشق پاک
بدانم دشمنت اندر کمین است	مرو دنبال عشقت، حرفم این است

(همان، ۱۴-۱۶: ۱۱۴)

۲۰-۳- تسلیم بودن دختر در برابر خواست والدین: در متون ادب فارسی از جمله ویس و رامین (اسعد گرگانی، ۱۳۷۰: ۵۶)، گل و نوروز (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۱۸۵)، لیلی و مجنون (نظامی، ۱۳۶۴: ۱۸۱) و همای و همایون (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۱۵۵) و اثر مورد نظر ما دختران در برابر خواست پدر یا مادر خود در امر ازدواج تسلیم هستند. در عزیز و نگار این مادر نگار است که به جای او تصمیم می‌گیرد، عزیز را رد می‌کند و او را به عقد احمد در می‌آورد.

مادر دختر به صد رنگ و ریا	پای در یک کفش کرد آن بی حیا
که نگار نازنین مه جبین	نامزد گردد به احمد بالیقین
پس ندا در داد بر خرد و کبار	نامزد گشته است احمد با نگار
دخترک از این سخن مدهوش شد	کرد فریادی و پس خاموش شد

(همان، ۶-۹: ۱۰۹)

۴- بن مایه‌های کرامت

قصه‌های کرامت اغلب بازمانده‌ی میراث صوفیه است. کرامت‌ها به چندین گونه‌ی

در قصه‌ها فراوانند. از جمله ویس که در زمان کهولت پدر و مادر زاده می‌شود. (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۴۷) در قصص قرآنی نیز چند نمونه وجود دارد از جمله، اسحاق و یحیی، پسران ابراهیم و زکریا در زمان پیری والدین خود به دنیا می‌آیند. در این قصه، نیز عزیز و نگار در زمان کهولت پدرانشان متولد می‌شوند و آن گونه که در قصه شاهد هستیم در زمان قبل از ازدواج پدرانشان را از دست می‌دهند.

تا چهل پنجاه سالی آن دو تن از قضا بودند عقیم و در محن
(همان، ۶: ۸۴)

۴-۴-سیب: به دلیل این که سیب به میوه‌ی بهشت معروف شده و تندرستی و سلامت را به آن نسبت می‌دهند، در قصه‌ها اکثراً برای فرزند دار شدن، سیب متبرکی را تناول می‌کنند. اولریش مارزلف در کتاب طبقه بندی قصه‌های ایرانی این موضوع را متذکر می‌شود. سیب اکثراً در داستان درویش قرار دارد و طبق سنت قصه‌های ایرانی به منظور بارداری تناول می‌شود. «رابطه با خدا سبب گردیده که درویش گاه دارای صفاتی سحرآسا باشد. بدین ترتیب است که شاه بی فرزند سیب (متبرک) را که می‌تواند زنی را آبستن کند از درویش برای زن خود می‌گیرد.» (مارزلف، ۱۳۷۶: ۴۲) عمل خرق عادت که همان فرزند دار شدن توسط خوردن سیب می‌باشد، در این قصه نیز وجود دارد.

۵-۴-درخت: این بن مایه، به کرات در این منظومه تکرار شده است. حضور درخت به عنوان مکانی برای استراحت به طور عام در قصه‌ها نمود دارد. البته گهگداری نیز به عنوان شخصیت در داستان‌ها حضور دارد مانند درخت سخن گو، یا از آن به عنوان دستاویزی برای ادای نذرها و حاجات بهره می‌برد.

در این قصه حضور نگار زیر درخت توت و گلدوزی دستمال به عنوان یک حادثه در قصه است. زمانی هم که عزیز چوب دست خود را در زمین فرو می‌کند و آن چوب به درختی تبدیل می‌شود نیز نمود دارد. و درختی که بین قبرهای آن دو کاشتنده که به

گفته‌ی راوی هنوز پابرجاست.

نتیجه‌گیری

-در قصه‌ی عامیانه‌ی عزیز و نگار بن مایه‌های متنوعی از داستان‌های حماسی، عاشقانه و کرامت و شگفت‌انگیز به کار رفته است به دلیل موضوع عاشقانه، بن مایه‌های عاشقانه بالاترین بسامد را دارند و از اصلی‌ترین بن مایه‌های آن سفر است که در کل قصه تکرار می‌شود. بن مایه‌های به کار رفته در این قصه در ادبیات ایران و جهان وجود دارد مانند: کوری، سفر، خرق عادت، نبرد، جنون و رقابت عشاق، نامه و نامه بر، درویش، سیب و چشمه.

-بن مایه‌های قصه‌ی عزیز و نگار شامل این موارد است: بن مایه‌های داستان‌های شگفت‌انگیز: خرق عادت، چشمه و کوه البرز است. بن مایه‌های قصه‌های حماسی چون: سفر، دوراهی، خرق عادت، نبرد و گرز، دروغ و مکر و فریب. بن مایه‌های داستانی عاشقانه چون: عاشق شدن توسط شنیدن صدا یا توصیف، رقابت عشقی، جنون عاشق، ترک وطن، ابراز عشق توسط زن، نامه و نامه بر، ملاقات پنهانی، شکوه کردن، امتحان دو رقیب، شعر سرودن، شب، زیبایی، زن بد نهاد، شهرت قهرمان، دوشیزگی، کوری، حضور ناصح و تسلیم بودن دختر در برابر خواست والدین است. و از بن مایه‌های داستان‌های کرامت چون: حضور درویش، دعا و اجابت دعا، فرزنددار شدن در پیری، سیب و درخت را می‌توان نام برد.

منابع

- ۱- احمدی، بابک، ۱۳۷۰، ساختار و تأویل متن، چاپ اول، نشر مرکز، کرج.
- ۲- اسعد گرگانی، فخرالدین، ۱۳۷۷، ویس و رامین، تصحیح دکتر محمد روشن، صدای معاصر، تهران.
- ۳- اکبریان، محمدعلی، ۱۳۸۱، دیوان عزیز و نگار، چاپ اول، انتشار زعیم.
- ۴- پراپ، ولادیمیر، ۱۳۶۸، ریخت شناسی قصه‌های پریان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، چاپ اول، توس، تهران.
- ۵- پورنامداریان، تقی، ۱۳۷۴، دیدار با سیمرخ، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران.
- ۶- خواجه‌سوی کرمانی، محمودبن علی، ۱۳۷۰، گل و نوروز، تصحیح کمال عینی، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- ۷- _____، _____، ۱۳۷۰، همایون و همایون، تصحیح کمال عینی، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- ۸- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۲، سبک شناسی شعر، چاپ نهم، فردوس، تهران.
- ۹- _____، ۱۳۸۶، انواع ادبی، چاپ دوم، میترا، تهران.
- ۱۰- صفا، ذبیح الله، ۱۳۸۹، حماسه سرایی در ایران، چاپ نهم، امیرکبیر، تهران.
- ۱۱- علی خانی، یوسف، ۱۳۸۰، عزیز و نگار، چاپ اول، ققنوس، تهران.
- ۱۲- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، شاهنامه، تصحیح ژول مول، میلاد، تهران.
- ۱۳- مارزلف، اولریش، ۱۳۷۰، طبقه بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه کیکاووس جهاننداری، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی (سروش)، تهران.
- ۱۴- میرصادقی، جمال، ۱۳۷۲، ادبیات داستانی، چاپ دوم، مؤسسه‌ی فرهنگی ماهور، تهران.
- ۱۵- _____، _____، ۱۳۸۷، راهنمای داستان نویسی، نشر سخن، تهران.

۱۶- نظامی گنجه ای، جمال الدین ابو محمد، ۱۳۶۴، لیلی و مجنون، تصحیح دکتر بهروز ثروتیان، توس، تهران.

۱۷- _____، _____، ۱۳۹۰، خسرو و شیرین، ره جاویدان، تهران..

۱۸- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۹۱، فرهنگ اساطیر و داستان واره‌ها در ادبیات فارسی، چاپ چهارم، فرهنگ معاصر، تهران.

۱۹- پارسا نسب، محمد، ۱۳۸۸، بن مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها... فصلنامه‌ی نقد ادبی، ش ۵، ص ۲.

۲۰- تقوی، محمد، ۱۳۸۸، موتیف چیست و چگونه شکل می‌گیرد، فصلنامه‌ی نقد ادبی، ش ۸، ص ۲.

۲۱- فرّخی، فاطمه، ۱۳۸۲، ساختار شناسی بن مایه‌های حمزه نامه، فصلنامه‌ی نقد ادبی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۳.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی